

شاهان صفوی و زیارت

دکتر حسین ایزدی / استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

چکیده

شاهان صفوی به دلیل وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران و مقابله با قدرت امپراتوری عثمانی و ایجاد وحدت سیاسی - مذهبی و تقویت و مشروعیت‌بخشی به حکومت خود، اقدام به رسمیت دادن مذهب تشیع نمودند و به زیارت به عنوان یکی از مراسم مهم تشیع دوازده امامی، که تأثیر بسزایی در تقویت باورهای سیاسی - مذهبی مردم نسبت به سلسله صفویه داشت، توجه ویژه‌ای نشان دادند و به سفرهای زیارتی متعددی رفتند. در این مقاله، سعی شده است تا روند تاریخی و ابعاد سیاسی - اجتماعی سفرهای زیارتی شاهان صفوی با روشی «توصیفی - تحلیلی» بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، شاه، مشهد، عتبات، نجف، کاظمین.

مقدمه

«زیارت» از نظر لغوی، به معنای «آمدن، یا رفتن به جایی به قصد ملاقات و دیدار کسی یا جایی» است. در ریشه این واژه، مفهوم «میل و گرایش» نهفته است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵۹۹) گویی زیارت کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل پیدا کرده است. به لحاظ مذهبی و اجتماعی، زیارت مراسمی دیرینه و متداول بین اقوام و مذاهب و ادیان گوناگون است، اما از نظر محتوایی و روش، گونه‌های متفاوتی دارد و هر دین و مذهبی بر اساس مبنای اعتقادی و بزرگان و رهبران مذهبی و احساسات و عواطف انسانی خود، به مراسم زیارت توجه دارد.

پیروان مذهب تشیع دوازده امامی نیز از این روش و سنت، که از ابتدای ظهور اسلام در مدینه‌النبی با حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر مزار شهدای احد و سایر شهدای صدر اسلام در قبرستان «بقیع» مرسوم شده، استقبال کرده‌اند و به آن توجه زیادی نموده‌اند، به‌ویژه آنکه در طی تاریخ اسلام و تشیع، اخبار و احادیث فراوانی از پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام مبنی بر اهمیت و جایگاه زیارت به عنوان یک امر مهم و وظیفه شرعی هر مسلمان در کتب حدیثی نقل شده است.

در واقع، زیارت در تاریخ شیعیان یک مراسم لازم‌الاجراست که به تدریج و در طول تاریخ شیعه، رو به کمال نهاده و به فرهنگی سازنده و مؤثر تبدیل شده و از مقام و جایگاه خاصی در بین پیروان مذهب تشیع اثناعشری برخوردار است، به‌ویژه آنکه نفوس نیرومند قدسی انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام پس از رحلت از بدن‌های شریف و بالا رفتن به عالم تجرد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهانند و تمامی امور عالم نزد ایشان آشکار است و می‌توانند بر این جهان تأثیر بگذارند و هر کس به زیارتشان برود از آن آگاه می‌شوند و بر او شاهدند و از زایران مرقدشان و درخواست‌ها، توسل‌ها، تضرع‌ها و شفاعت‌طلبی‌های ایشان آگاهی دارند. پس نسیم لطف آنان بر

زایران می‌وزد و رشحاتی از فروغشان بر آنان می‌تابد و در تأمین نیازها و برآورده شدن حاجات و رسیدن به مقاصد و آموزش گناهان و رفع گرفتاری‌هایشان در پیشگاه خداوند شفاعت می‌کنند. (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۸۸۹)

با توجه به این مسائل، کاروان‌های زیارتی شیعیان طی دوران‌های گوناگون، همه مشکلات و مصایب سفر زیارتی را در ماه‌ها و هفته‌ها به جان می‌خرند تا به مقصد زیارتی خود برسند.

بدون تردید، صفویه فقط از طریق قوه قهریه نمی‌توانستند به هدف نهایی خود، که حکومتی یکپارچه بر سرزمینی واحد بود، نایل آیند؛ زیرا اعمال این شیوه در درازمدت، ممکن نبود. بنابراین، برای ایجاد مذهبی پایدار، فراگیر و تأثیرگذار، که به تکامل مذهبی ملی و تقویت حاکمیت و بنیان‌های مشروعیت حاکمیت صفوی منجر شود، به کاری عمیق و گسترده و فرهنگی و مذهبی نیاز بود؛ کاری که فقط با مراسم مذهبی شیعیان دوازده امامی - که به دلیل رسمیت مذهب تشیع و حمایت قاطع و همه‌جانبه دولت صفوی در ایران نهادینه شده بود - به عنوان منبعی احساسی، قوی، گسترده و بسیار تأثیرگذار امکان‌پذیر می‌گردید. بنابراین، زیارت مزارات ائمه اطهار و امام‌زادگان علیهم‌السلام به عنوان اجداد نسبی شاهان صفوی در کنار سایر مراسم مذهبی شیعیان، نسب سیادتی صفویان و سایر باورهای سیاسی - مذهبی مردم را نسبت به صفویه تقویت و تثبیت می‌کرد. بدین‌روی، از همان ابتدا زیارت محل توجه شاهان صفوی قرار گرفت.

شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ق)

اولین سفر زیارتی شاهان صفوی را شاه اسماعیل اول در جریان لشکرکشی به خراسان انجام داد. در سال ۹۱۳ق، در جریان حملات محمدخان شیبانی به خراسان و قتل و

غارث قشون ازبک، که تا کرمان کشیده شد، شاه اسماعیل با اعزام سفرا و نمایندگان، از خان ازبک خواست تا از مناطق متصرفاتی خارج شود، ولی وی یا غرور تمام، پاسخ داد که خیال سفر حج دارد و از شاه اسماعیل خواست تا وفاداری و اطاعت خود را با تهیه زمینی میزبانی به منظور عبور از قلمرو صفوی نشان دهد. شاه اسماعیل هم در جواب وی گفت: قصد زیارت مشهد مقدس و بارگاه امام رضا علیه السلام را دارد. این مسئله باعث جنگ خونین مذهبی بین طرفین شد که نتیجه آن شکست سنگین قوای ازبک و مرگ شیبک خان به دست قشون قزلباش بود. شاه اسماعیل پس از پیروزی در این نبرد، که بزرگ‌ترین پیروزی وی بود، برای زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام به مشهد رفت. (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴، ص ۳۴۶-۳۴۷ / خواندمیر، ۱۳۷۰، ص ۶۸)

در سال ۹۱۴ق، شاه اسماعیل پس از فتوحات نظامی خود در عراق عرب و تصرف بغداد، ابتدا به کربلا رفت و پس از ورود به شهر و زیارت حرم امام حسین علیه السلام تمام شب را در حرم بیدار بود و شخصاً در غبارروبی حرم شرکت کرد و پس از تقدیم هدایای گران‌قیمت و قندیل‌های طلا و دستور ساخت پوشش قبر از عاج طلا و دادن هدایا و نذورات به مجاوران و خادمان، به شهر نجف رفت. (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰-۳۰۱)

پس از رسیدن به نزدیکی شهر نجف، شاه اسماعیل از اسب فرود آمد و پای پیاده و سر برهنه به طرف حرم حضرت علی علیه السلام حرکت کرد و در زمان رسیدن به نجف، در حالی که علما و سادات به استقبال او می‌آمدند، پرچم حضرت علی علیه السلام را از آنان تحویل گرفت. (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶-۱۶۷) شاه اسماعیل پس از گرفتن پرچم، «یا علی» گویان از بین مردم عبور کرد و مستقیم داخل حرم شد و اجازه ورود به هیچ‌کس نداد و به مدت ۸ ساعت به تنهایی در داخل بود. طی این مدت، قزلباشان می‌گفتند: به گوش خود شنیده‌اند که مرشد کامل با امام علی علیه السلام گفت‌وگو

می‌کند. شاه اسماعیل پس از این زیارت طولانی و دادن هدایا و نذورات به خادمان و مجاوران حرم، به شهر حله رفت و طی همین مدت، گروهی از بیابان‌گردان عرب، که زوآر شیعه را غارت می‌کردند، سرکوب کرد و پس از ضبط ثروت هنگفت آنان، به نجف بازگشت. (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۳ / خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۹۴-۴۹۵)

شاه اسماعیل پس از این اقدامات و زیارت کربلا و نجف، به شهر کاظمین رفت. با توجه به اینکه سلسله نسب سیادت مورد ادعای صفویان به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسید، شاه اسماعیل پس از حضور در عراق، توجه ویژه‌ای به حرم مقدس کاظمین داشت و دستور داد عمارت و گنبد با شکوهی برفراز این مزار مقدس ساختند و نهر آبی را که تأمین کننده آب شیرین این مکان مقدس بود، تعمیر و نوسازی کرد. (قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶ / خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۹۴) او پس از آنکه هدایا و نذورات زیادی به خادمان و مجاوران حرم کاظمین داد، به سمت سامراء رفت و پس از زیارت حرم امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و مدتی تفرّج و شکار در بغداد و اطراف دجله و فرات، به ایران بازگشت. (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۳)

سفرهای زیارتی شاه اسماعیل اول به عتبات عالیات و مشهد مقدس، که در جریان لشکرکشی‌های وی به جنوب عراق و خراسان و با انگیزه‌های سیاسی - نظامی صورت گرفته بود، در وهله اول موجب ایجاد ثبات، امنیت و آرامش در این مناطق - به‌ویژه برای شیعیان - شد. همچنین بازسازی و توسعه و عمران این اماکن مقدس مذهبی در عهد شاه اسماعیل اول، آسایش و رفاه را برای ساکنان و زوآر این شهرهای مقدس و وجهه مثبت مذهبی و تقویت مشروعیت و جایگاه حکومتی دولت نوپای صفوی را به دنبال داشت. از سوی دیگر، اقدامات وی نه تنها موجب شد که رسم بسیار مهم زیارت، که تا آن زمان به دلیل تعصب مذهبی مخالفان شیعه و ناامنی و جنگ‌های پی‌درپی در جنوب عراق بسیار کم‌رنگ شده بود، احیا گردد و خیل

جمعیت زائران به عتبات سرازیر شود، بلکه این اقدامات به عنوان آموزه سیاسی - مذهبی حکومت صفوی مورد توجه شاهان این سلسله قرار گرفت و علاوه بر توجه به شهرهای مذهبی داخلی، مثل مشهد و قم، تا زمانی که جنوب عراق در تصرف صفویان بود، شاهان صفوی با حضور در عراق و زیارت عتبات عالیات، شخصاً به امور زوآر و عمران و توسعه این اماکن مقدس رسیدگی می‌کردند.

شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق)

شاه طهماسب اول، دومین پادشاه صفوی، که از سلطنتی طولانی برخوردار بود و به عنوان پادشاهی دیندار، متعصب و متشجع مشهور بود، به دلیل درگیری‌های داخلی در ده سال اول حکومت و جنگ‌های متعدد با عثمانی‌ها و ازبک‌ها، مجال چندانی برای انجام سفر زیارتی نداشت و دفعات کم سفرهای زیارتی وی به مشهد مقدس رضوی و سایر مزارهای متبرک داخل ایران، در جریان لشکرکشی نظامی صورت گرفت؛ از جمله، در جریان مقابله با چهار حمله ازبک‌ها به رهبری عبیدخان ازبک، طی سال‌های ۹۱۶ق، ۹۳۴ق، ۹۳۵ق و ۹۳۹ق، به زیارت مشهدالرضا رفت.

خورشید اشراف، خسرو آفاق با لشکر بحر جوش دریاخروش از راه کالپوش به مشهد مقدس معلی رسیده، به شرف طواف آستان ملایک آشیان حضرت امام الجن والانس سرافراز شده، از روح مطهر آن سلطان روضه رضا - علیه التحیه و الثناء - استمداد همت نموده، به عزم دارالسلطنه هرات، اعلام ظفر فرجام به جانب جام انداختند. (ترکمان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۸ / غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ص ۲۸۷)

شاه طهماسب به شکرانه پیروزی بر ازبک‌ها و موفقیت در توبه از جمیع گناهان خود، هشتاد من طلا صرف مطلقاً کردن گنبد و میله گنبد حرم مقدس رضوی کرد. (افوشته‌ای نظری، ۱۳۸۳، ص ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ / ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳) یک بار هم در زمانی

که برای مقابله با شورش برادر خود، القاص میرزا، از پایتخت خود قزوین خارج شد، در سر راه خود، برای زیارت امامزاده واجب التعظیم، حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام به ری رفت و از آنجا راهی تبریز شد. (غفاری، ۱۳۴۳، ص ۲۹۶)

زیارت مشهد مقدّس به دلیل توجه شاه اسماعیل و شاه طهماسب و اقدامات ایشان در توسعه، نوسازی و تأمین مایحتاج زوّار، به‌ویژه در زمانی که آرامش در خراسان برقرار و قوای ازبک عقب رانده شده بودند، به عنوان یک رسم مذهبی مهم مورد توجه مردم و سایر درباریان واقع شد. «مهین بانو»، کوچک‌ترین خواهر شاه طهماسب، در سفر زیارتی خود به مشهد مقدّس، پنجره طلا و قپه‌های مرصع را سامان داده و بار دیگر، اسباب و قنادیل همراه برد و جمیع سادات و علما و فضای آنجا را تفقّد نمود. (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۲۹۹-۴۳۰۰)

مهین بانو، که مانند برادرش، اهل توبه و دیانت و عمل به امور شرعی بود، علاوه بر اقدامات خود در شهر مشهد و حرم رضوی، هر ساله مبلغی کلی را وقف بر چهارده معصوم می‌کرد و تولیت آن را هم با پادشاه وقت قرار می‌داد. محل مصرف این موقوفه هم سادات فاطمی اثنا عشری بود. وی همچنین جواهرات نفیس خود را نذر صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و امام رضا علیه السلام کرد و با وجود آنکه به واسطه حملات مکرر سلیمان خان قانونی، سلطان عثمانی، جنوب بین‌النهرین از ایران جدا شده بود، هر ساله مبلغی کلی برای اهالی کربلا، نجف، جبل عامل، سادات مدینه و هزینه اسباب و یراق آستان‌های مقدّس و متبرک سراسر کشور ارسال می‌کرد. (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۹۹-۴۳۰۰)

شاه طهماسب اول پس از یک دوره حکومت ۵۴ ساله و عقد قرارداد «آماسیه» در ۸ رجب ۹۶۲ق، که صلح طولانی مدت را با عثمانی در پی داشت، در تاریخ ۹۸۴ق، درگذشت. شاه طهماسب صفوی به دلیل جنگ طولانی با عثمانی‌ها و تصرف عراق توسط سلیمان خان قانونی، سلطان عثمانی، هیچ‌گاه نتوانست به عراق و زیارت عتبات

عالیات برود، اما وی ضرورت توجه به زیارت اماکن مذهبی داخل ایران، به ویژه مشهد مقدّس، را در جهت تقویت وحدت سیاسی و دینی شیعیان با محوریت شاه صفوی، به خوبی درک کرده بود، به ویژه آنکه صفویه مدعی نسب سیادت و انتساب به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بودند و حضرت امام رضا علیه السلام نیز فرزند و جانشین ایشان بودند و با توجه به نسب ادعایی صفویه، از خویشان نزدیک امام رضا علیه السلام محسوب می‌شدند.

در واقع، شاه طهماسب، که در جریان مقابله با ازبک‌ها، چهار بار به زیارت حرم رضوی رفت و خود، بستگان نزدیک و درباریانش هدایا و نذورات زیادی را به این مکان مقدّس دادند، به دنبال تقویت باورهای عمومی مردم ایران به نسب سیادت خاندان صفوی و بنیان‌های مشروعیت سیاسی - مذهبی حاکمیت صفویه بودند.

پس از مرگ شاه طهماسب، ایران و حکومت صفوی شاهد بروز دوباره رقابت‌های خونین بین طوایف قزلباش و سرکشی و طغیان این قبایل بود. در چنین وضعیتی، نه دولت‌مردان صفوی مجال چندانی داشتند تا به سفرهای زیارتی بپردازند و از این راه امکانات و تسهیلات لازم برای مردم ایجاد شود، نه امنیت کافی برقرار بود و نه مردم وضعیت مناسب و آسانی برای رفتن به اماکن زیارتی داشتند.

شاه عبّاس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق)

پس از به قدرت رسیدن شاه عبّاس اول، که آغاز عصر جدیدی در سلسله صفویه بود، زیارت نیز مانند سایر مراسم شیعی مورد توجه قرار گرفت. شاه عبّاس اول بر خلاف سایر شاهان صفوی، که در جریان سفر نظامی و یا گشت و شکار به شهرهای مذهبی و زیارتی هم می‌رفتند، زیارت اماکن مقدّس مذهبی را لازم می‌دانست و بارها به قصد زیارت، از پایتخت خود، اصفهان، خارج شد.

نخستین سفر زیارتی شاه عباس اول در سال ۹۹۶-۹۹۷ق به شهر مشهد، مقارن با آغاز سلطنت او بود. وی در این سفر، علاوه بر زیارت آستان قدس رضوی، مدتی برای مقابله با حملات ازبک‌ها، در خراسان ماند و برای مناطقی که به تصرف ازبکان در نیامده بود، حاکمانی تعیین نمود. (افوشته‌ای، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳-۳۱۴) ده سال پس از این سفر، در سال ۱۰۰۷ق، شاه عباس پس از یورش ازبکان، که ویرانی زیادی در خراسان و مشهد به بار آورده بود، به زیارت حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام رفت. در ۲۵ ذی‌حجه، چون شعشعۀ تیر عالم‌افروز گنبد مبارک، که مهبط تجلیات انوار الهی خورشید مثال است، درخشیدن آغاز نمود، پیاده گردیده و از آنجا با جهان جهان اخلاص و عالم عالم نیازمندی، برهنه پای و گشاده پیشانی طی مسافت فرموده، در کمال شوق به روضه مطهره رسیده، به لوازم دعا و زیارت پرداخته، آستانه مقدسه را به غایت بی‌سامان و از قنادیل طلا و نقره خالی یافتند و از حلی و زیور ایام قزلباش سوای محجر طلا چیزی نمانده بود. (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۹۱۱-۹۱۲)

با توجه به این وضعیت، شاه عباس برای سروسامان دادن به امور، منصب حکومت مشهد را به یوسف‌خان، ولد اغلان چگنی داد و دستور ایجاد بیوتات، شربت‌خانه، و مطبخ را صادر و غازی سلطان تربتی را به عنوان متولی و میرمحمد جعفر و ملامحمد کاظم را به عنوان مدرّس آستان قدس رضوی تعیین کرد. (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۱ و ۱۸۵) شاه عباس در جریان همین سفر، منصب خادم باشی‌گری آستان قدس رضوی را به عنوان یک پست مهم، به خود اختصاص داد. (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۹۶۲) وی بار دیگر در اول صفر ۱۰۰۸ق، به قصد زیارت به خراسان رفت و در نزدیکی شهر مشهد، به احترام امام رضا علیه السلام از اسب پیاده شد و بقیه راه را پیاده رفت، و مدت ۶۵ روز، یعنی تمام زمستان آن سال را در مشهد بود و هر شب و هر روز به دعا، زیارت و خدمت در حرم امام هشتم مشغول بود. (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۹۶۲/منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۵)

در سال ۱۰۰۹ق، در حالی که حکومت داخلی صفویه تثبیت شده و قوای ازبک سرکوب شده بود، شاه عباس مشهورترین سفر زیارتی خود را انجام داد. وی در این سفر، مسافت کاخ سلطنتی عالی‌قاپو در میدان نقش جهان اصفهان تا شهر مشهد و حرم رضوی را در عرض ۲۸ روز، پیاده طی کرد. وی در جریان این سفر، دستور داد هر یک از مقامات و امرای دربار و دولت و خویشاوندان، که مایل به همراهی او در این راه هستند، می‌توانند سواره بیایند؛ زیرا نذر او برای رفتن به زیارت با پای پیاده شامل حال دیگران نمی‌شود. (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۹۸۲-۹۸۳)^۱

شاه عباس پس از رسیدن به مشهد، در ماه‌های رجب، شعبان و رمضان در این شهر ساکن شد و در مراسم مذهبی این ایام از جمله لیالی قدر در حرم رضوی حاضر گردید و در کنار شب‌زنده‌داری، امور مربوط به خدمه، مثل جارو کشیدن فرش‌ها و خاموش کردن شمع‌ها را برای نشان دادن اخلاص و سرسپردگی شخصاً انجام می‌داد. (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۹۸۳-۹۸۴)

در سنه ۱۰۰۹ق، نواب اشرف به قصد زیارت، پیاده به مشهد مقدس عازم گردیدند و بدان فیض، که سرمایه سعادت است، مشرف شدند. حضرت خاتم‌المجتهدین، شیخ بهاء‌المللة و الدین، در هنگامی که نواب اشرف به دستور سایر خدام مقراض در دست گرفته، سرهای شمع را می‌گرفته‌اند، این رباعی را بالبدیهه انشاء فرموده، بدان حضرت خواندند:

پیوسته بود ملایک علیین پروانه شمع روضه خلد آیین

مقراض به احتیاط زن، ای خادم ترسم ببری شهپر جبریل امین

(شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۴)

۱. اسکندر بیک منشی در تاریخ عالم آرای عباسی تاریخ این سفر را ۱۰۰۹ق، و ملاجلال منجم در تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، تاریخ این سفر را ۱۰۱۰ق، ذکر کرده‌اند.

این سفر نه تنها موجب توجه به آبادانی و رونق مشهد و حرم رضوی و افزایش نفوذ دینی و اقتدار سیاسی دولت صفوی در مرزهای شرقی شد، بلکه به دلیل آنکه شاه عباس مثل سایر شاهان صفوی، از طرف پدر، خود را از نسل امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، و از طرف مادر از نسل حضرت علی علیه السلام می‌دانست، زیارت خویشاوند مقدّس وی، موجب تقویت باور عمومی مردم در منسوب بودن شاهان صفوی به سلسله سادات، دادن مقام تقدّس به شاه عباس و بیانگر کمال اعتقاد و ارادت وی به امام هشتم علیه السلام می‌گردید.

شاه عباس در دوران حکومت ۴۲ ساله خود، چندین بار دیگر به قصد سفر زیارتی به شهر مشهد رفت؛ از جمله، در ۱۰۱۱ق، از راه کویر و بیابانک که با استقبال حاکم ترشیز و اقامت دوازده روز در حرم رضوی همراه بود. (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۸-۲۳۹) در سال ۱۰۱۶ق، پس از پیروزی‌های داخلی و خارجی به مشهد رفت (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲۸) و در جریان همین سفر بود که مقرر کرد هر کس همراه او می‌آید مایحتاجش در همه منازل مهیا باشد و هر کس اسبش خسته شد به او یک اسب تازه نفس بدهند، دهکده‌ای را در راه دامغان از مال و خراج معاف و آن را یکسره نذر و وقف زوّار امام رضا علیه السلام کرد، دو دروازه حرم را نوسازی کرد و تغییر داد و آب چشمه‌ای را برای رفاه حال مردم در حرم جاری ساخت. (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۸-۳۲۹)

سفرهای مکرر شاه عباس اول به خراسان در کنار ارادت شخصی وی به امام رضا علیه السلام، که ناشی از زندگی دوران کودکی و نوجوانی وی در مشهد و بهره‌برداری اجتماعی و مذهبی وی از این سفرها، به سبب رقابت و جنگ دایمی با عثمانی‌ها و سرازیر شدن سیل زوّار ایرانی به عتبات بود، دلایل سیاسی - اقتصادی هم داشت.

هر سال تعداد زیادی از ایرانیان برای زیارت عتبات عالیات - که پس از عهدنامه «آماسیه» رسماً از ایران جدا شده بود - و همچنین زیارت مکه و مدینه از خاک عثمانی عبور می‌کردند و به لحاظ بعد مسافت، این مسافرت‌ها عموماً به مدت دست کم شش ماه طول می‌کشید و زوار ایرانی، به‌ویژه آن‌ها که به سمت مکه می‌رفتند، می‌بایست به منظور پرداخت عوارض، خرید نیازمندی طول سفر و یا پرداخت نذورات خود به حرم نبوی و مسجدالحرام و هزینه گمرک، به مأموران عثمانی از سکه‌های طلا استفاده کنند. اما سکه‌های طلا، که از مهم‌ترین عوامل تدارک و تجهیز سپاهیان نوبنیاد شاه عباس بود، از ایران و قلمرو صفوی خارج و موجب تقویت قدرت مالی دولت ترکان عثمانی و تجهیز سپاهیان آنان می‌شد. بنابراین، شاه عباس سعی کرد با ساخت و ساز، ایجاد تسهیلات رفاهی مثل آب‌رسانی، ساخت کاروان‌سرا، ایجاد امنیت، سفرهای مکرر، پیاده رفتن، تشویق شعرا به سرودن اشعاری در این زمینه، ترویج احادیث دربارهٔ ثواب و فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام و برابری آن با چند ده حج و نیز تأکید علما بر این مسئله با همراهی کردن شاه عباس در سفرهای زیارتی به خراسان، وضعیتی ایجاد کند که ایرانیان به جای رفتن به مکه و مدینه، روانهٔ مشهد شوند و سرمایه‌های خود، به‌ویژه سکه‌های طلا را در داخل کشور هزینه کنند. شاه عباس برای اطمینان خاطر از عدم مسافرت ایرانیان به عربستان و عبور از قلمرو عثمانی، اعلام کرد: هر کس قصد سفر حج دارد باید مبلغ هنگفتی را شخصاً به شاه پیشکش کند تا اجازهٔ سفر به وی داده شود. (کروسینسکی، ۱۳۶۳، ص ۲۵)

شاه عباس برای آنکه محدودیت‌های سفر زیارتی ایرانیان به عتبات عالیات جنوب بین‌النهرین برداشته شود و با توجه به اختلافات عمیق اعتقادی و سیاسی با امپراتوری عثمانی و نشان دادن تعهد و تقید مذهبی خود نسبت به مقابر مطهر ائمهٔ اطهار علیهم السلام، نظر به آنکه بین‌النهرین را به دلیل اشغال توسط شاه اسماعیل جزئی از

قلمرو دولت صفوی تلقی می‌کرد، در سال ۱۰۳۲ق، با لشکریان خود به این منطقه حمله کرد و پس از دو ماه جنگ و محاصره، جنوب بین‌النهرین را تصرف نمود و قوای عثمانی را بیرون راند (جنابذی، ۱۳۷۸، ص ۸۸۷/ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵۵-۱۶۵۸) و به مدت یک ماه به منظور رسیدگی به امور مناطق تازه فتح شده در عراق ساکن شد.

همواره به سعادت زیارت مراقد متبرکه که کاظمین فایز گشته، خدمه و مستخدمین و عموم سکنه و مجاورین آن روضه خلد آئین را به صلوات و صدقات نوازش فرمودند و به فرش‌ها ملون و صندوق‌پوش‌های مزین و غیرها زینت افزودند و بعد از انجام ضروریه بغداد، روی توجه به خاک پاک نجف اشرف آورده، در یک منزلی آستان ملایک پاسبان سلطان سریر ولایت، شاهنشاه کشور خلافت و امامت، امام المشارق و المغرب، اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیهماالسلام) با جهان جهان شوق و عالم عالم اخلاص، پیاده قدم در راه نهاده، در کمال ذوق و وفوق شوق، طی مسافت نموده، به شرف خاک‌بوسی آن عتبه علیه مشرف گشته و تا ده روز در آن سده سینه به مراسم دعا و زیارت اقدام به خدمت جاروب کشی آن روضه بهشت‌آسا مشغول داشتند و به نظم و نسق آن سرکار فیض آثار قیام نمودند. (ترکمان، ۱۳۷۸، ص ۱۶۶۷-۱۶۶۸)

شاه عباس علاوه بر خدمت‌گزاری و نظافت آستان مقدس علوی، به امور دیگری هم پرداخت و دستور داد نهر آبی را که در زمان شاه اسماعیل حفر شده و پس از مدتی خشک شده بود، لایروبی و بازسازی کنند و مجدداً آب فرات را در نجف به جریان انداخت (ترکمان، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰۵-۱۰۰۶) و پس از اقامت ده روزه در نجف، به زیارت کربلا رفت و مسافت بین کربلا و نجف را در گرمای هوا، پیاده طی کرد و سپس به زیارت سامراء رفت و مال زیادی را به سادات مجاور حرم سامراء بخشید. (جنابذی، ۱۳۷۸، ص ۸۸۸)

شاه عباس یک سال پس از فتح جنوب بین‌النهرین، در نوروز سال «سیچقان ئیل» ترکی، مطابق ۱۰۳۳ق، بار دیگر به این منطقه سفر کرد و - به ترتیب - به زیارت کربلا، نجف و کاظمین رفت و سپس به دلیل مصادف بودن ایام سفر با ماه رجب و آگاه شدن از احادیث صحیح دربارهٔ ثواب عظیم زیارت امام حسین علیه السلام در ماه رجب، دوباره به کربلا بازگشت و از این شهر به زیارت سامراء و آستان عسکرین علیهما السلام و مقام صاحب الزمان علیه السلام رفت و در این سفر هم مثل سفر قبلی، مبالغ هنگفتی را به عنوان صدقات، نذورات و هدایای گران‌قیمت حرم‌های ائمهٔ اطهار علیهم السلام اهدا کرد. (ترکمان، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۷۹-۱۶۸۰)

شاه عباس برای نشان دادن ارادت و معرفی خود به عنوان شاهی دیندار و توجه دادن مردم به زیارت اماکن مقدّس مذهبی داخل قلمرو صفوی، طی وقف‌نامه‌ای جمیع جواهر و مرصع‌آلات و نقره‌آلات خود را بر نجف وقف کرد. (شاملو، ۱۳۷۱، ص ۹۳-۹۶)

وی بر این، جمیع املاک موروثی و مکتسب خود را به قیمت عادلانه آن، که یکصد هزار تومان بود، به همراه خانه‌های بسیار عالی، قیصریه و چهار بازار دور میدان نقش جهان و حمام‌هایی که در اصفهان ساخته بود، وقف حضرات عالیات چهارده معصوم نمود که وقف‌نامه آن را شیخ بهائی نوشت و تولیت آن در زمان حیات با خود شاه عباس و پس از وی با شاه وقت باشد. (ترکمان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۴۹-۱۲۵۲ / شاملو، ۱۳۷۱، ص ۱۸۶-۱۹۶)

شاه عباس در سال ۱۰۱۶ق، که از سفر به اردبیل بازمی‌گشت، به قزوین و سپس به شهر قم رفت و سه روز به زیارت آستان حضرت معصومه علیها السلام مشغول بود. (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۲۳ و ۴۲۴ / ترکمان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۲۲، ۱۱۳۷، ۱۱۵۸، ۱۲۴۴، ۱۲۴۶، ۱۳۹۹، ۱۴۳۵؛ ج ۳، ص ۱۵۲۰)

شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق)

پس از شاه عباس اول، با توجه به نظام تربیتی شاهزادگان صفوی در حرمسرا، کاهش فعالیت‌های نظامی، رخوت، سستی، دل‌بستگی و توجه بیش از حد به سرگرمی‌های دربار و حرمسرا و مفاسد ناشی از آن، سفرهای زیارتی در بین جانشینان شاه عباس کم‌رنگ شد. شاه صفی، جانشین شاه عباس اول، در دوران حکومت خود، سفر زیارتی به شهرهای مذهبی و زیارتی قم و مشهد نداشت، ولی در سال ۱۰۳۹ق، برای رسیدگی به امور بین‌النهرین و مقابله با تحرکات قوای عثمانی، به این منطقه رفت و متوجه زیارت عتبات عالیات شد. شاه صفی در این سفر دوبار به زیارت کربلا رفت؛ بار اول در دوم شعبان ۱۰۳۹ق، و بار دوم در چهاردهم شعبان. (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۶-۱۰۸) وی همچنین در نوروز سال «قوی ثیل»، مطابق سال ۱۰۴۰ق، به قصد زیارت، در ۱۷ شعبان وارد کربلا شد و در ۲۳ شعبان به نجف و زیارت حرم حضرت علی علیه السلام رفت و در ۷ رمضان پس از خواندن زیارت وداع، به دیدن مسجد کوفه رفت و سپس به سمت بغداد حرکت کرد و به زیارت کاظمین و آستان عسکرین علیهم السلام پرداخت. شاه صفی در این سفرها، مانند پدر بزرگ خود، در زمینه تقویت اذهان مردم نسبت به سیادت صفویه و بهره‌برداری تبلیغاتی در جهت تقویت و تثبیت سلطنت خود، که بسیار خشن و خون‌بار آغاز شده بود، ضمن پرداخت هدایا و وجوه نقدی، نذورات و صدقات فراوانی به خدّام و مردم مجاور مشاهد متبرک و بخشید و اقدام به بازسازی، مرمت و توسعه بناها و آبرسانی نمود؛ کاری که امری مهم و حیاتی در کربلا و نجف بود. (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۶-۱۰۸، ۱۳۰، ۱۴۹ و ۱۵۸/قروینی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۸۴ و ۹۴-۹۵) از جمله، وی در سال ۱۰۴۱ق، توسعه و عمران زیادی در حرم علوی در نجف صورت داد.

پیشنهاد ضمیر ساخت و آبادانی بنای گردون اساس غرویه نجف اشرف را، که هم‌خوابه رأی منیر بود، مقصد خاطر خطیر گردانید و آن صحن بهشت لقا را به حلیه عمارت آرایش داده، بنایی بنیاد نهاد که صفای صفة ایوانش از [صفای] عقیدت بانی حکایت می‌کند، و رسوخ قواعد بنیانش از رسوخ [اعتقاد پاک] آمر نشان می‌دهد، شرفات قدر رفیعش سر سوی افلاک کشیده و چون مراقی جاه بلند خیالش، سده منیع آن اعیان نجوم دعوی مساوات کرده، فروغ صفای صفة اش پرتو نور بر آینه سپهر انداخته و از انوار سقف عالی اش ماه استعاره روشنایی نمود.

(خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰)

شاه صفی از درایت، هوشمندی و تدبیر پدربزرگ خود برخوردار نبود و نتوانست در برابر حملات عثمانی‌ها ایستادگی کند و پس از مذاکرات صلح، بر اساس عهدنامه «سرپل ذهاب»، جنوب بین‌النهرین را به امپراتوری عثمانی واگذار کرد و بدین‌سان، عتبات عالیات و جنوب بین‌النهرین از مسیر زیارتی شاهان صفوی خارج شد.

شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق)

شاه عباس دوم، جانشین شاه صفی، طی دوران حکومت ۲۵ ساله، باوجود ارتباط نزدیک و احترام و توجه و حمایتی که از علمای معاصر زمانش مثل علامه محمدتقی مجلسی و ملا محسن فیض به عنوان پیش‌نماز اختصاصی خود داشت، به علت خلق و خوی ناشی از تربیت حرم‌سرا، توجه کمی به زیارت اماکن مذهبی داخلی داشت و فقط سه سفر زیارتی داشت: بار اول در جریان مقابله با تیموریان هند، که شهر قندهار را تصرف کرده بودند، به زیارت مشهد رفت و به مدت ۵۰ روز در این شهر ساکن شد که ضمن زیارت حرم رضوی، به دل‌مشغولی مورد علاقه خود، یعنی مجالس عیش و شکار هم پرداخت. دومین سفر زیارتی وی در جریان سفر شکار، زمانی که «رخت عشرت و کامرانی به بلده طیبه طهران کشانید»، به زیارت امامزاده

عبدالعظیم حسنی علیه السلام در ری رفت و نذورات و احسان زیادی به خدّام آن امامزاده داد. سومین سفر زیارتی او در ۲۵ صفر سال ۱۰۵۲ ق، که قصد رفتن به قزوین داشت، به مدت ده روز و در سال ۱۰۶۴ ق، زمانی که از قزوین رهسپار اصفهان بود دو ماه در قم اقامت کرد و به اطعام نیازمندان پرداخت و برای فرستادن ثواب فاتحه به روح پدرش، سه روز متوالی هر روز پانصد قاب طعام و حلوا در حرم و مقبره شاه صفی به همراه مبلغی خطیر به فقرا و مستحقان داد.

در واقع، شاه عباس دوم سعی داشت با دادن هدایا و نذورات فراوان به مردم و خدّام اماکن زیارتی داخلی، توجه و اهتمام خود را به رسم مهم زیارت در بین شیعیان به عنوان شاه صفوی، که نسب سیادت دارد، نشان دهد. البته علت اصلی حضور و اقامت دو ماهه شاه عباس دوم در شهر قم، وجود حیوانات شکاری فراوان و متنوع در اطراف این شهر و علاقه زیادی بود که شاه عباس دوم به شکار داشت. (وحید قزوینی، ۱۳۲۹، ص ۱۰۴-۱۰۵ و ۲۶۴-۲۶۵)

شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق)

شاه سلیمان، که پس از شاه عباس دوم به سلطنت رسید و از مدت ۳۹ ساله حکومت خود هفت سال از حرمسرا خارج نشد، گرچه رابطه نزدیکی با علما داشت و به برگزاری مراسم مذهبی توجه می کرد، اما به هیچ سفر زیارتی نرفت.

در واقع، دوران سلطنت شاه سلیمان و جانشین وی شاه سلطان حسین، که آخرین پادشاه صفوی بود، معرفی چهره‌های ناتوان، سست و به شدت دل‌بسته حرمسراست که حاضر نبودند هیچ‌گونه سختی و مشقتی را که موجب دور شدن از اصفهان و اندرونی حرمسرا باشد، تحمل کنند. این دو پادشاه در دوران حکومت خود، نشان دادند که مردان روزگار سخت و مهلکه‌های پرخطر نیستند. در دوران شاه سلطان حسین صفوی، زیارت اماکن مقدّس مذهبی شیعیان بیشتر جنبه تظاهر و ریا پیدا

کرده بود و در حالی که کشور وضعیت نابسامان سیاسی داشت، بسیاری از اهل حرم و خواجه‌سرایان دربار شاه سلطان حسین، که بسیار قدرتمند، مستقل و مصدر و منشأ تمام امور بودند، از روی حسادت، رقابت با یکدیگر و خودنمایی، مبالغ‌ه‌نگفتی را خرج سفر به مکه، عتبات عالیات و مشهد می‌کردند، (مستوفی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵) ولی خود شاه سلطان حسین فقط یک بار به سفر زیارتی رفت.

وی در سال ۱۱۱۸ق / ۱۷۰۶م، به قصد زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام و سرکشی به آرامگاه سلاطین صفویه در قم، به اتفاق حرم و اعیان دربار خود و همراهانی که تعداد آنها به شصت هزار نفر بالغ می‌شد به آن شهر عزیمت کرد. ملازمان شاه به قدری زیاد بودند که خیمه و خرگاه آنان به هنگام توقف، قریب دو فرسنگ از حومه شهر را فراگرفت. شاه سلطان حسین پس از مدتی اقامت در قم، با همان عده زیاد همراهان به سمت مشهد رفت. هزینه این سفر به حدی گزاف بود که نه تنها موجب خالی شدن خزانه شد، بلکه شهرها و مناطق بین راه، که کاروان شاه از آنجا عبور می‌کرد، به دلیل اخذ مالیات جدید، ویران شد. نصف مبلغی که صرف این سفر گردید برای لشگرکشی به قندهار و سرکوب افغانه یاغی کافی بود، اما شاه سلطان حسین، که در محاصره اهل حرم و خواجه‌سرایان بود، به این مسائل اعتنایی نداشت و تنها پس از شورش مردم اصفهان و احتمال بر تخت نشاندن برادرش عباس میرزا، بعد از یک سال، به پایتخت بازگشت. (مستوفی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶ / لکه‌ه‌ارت، ۱۳۶۳، ص ۵۶)

مقایسه بین شاه عباس اول، که پای پیاده و بدون تحمیل کمترین هزینه‌ای بر مردم بین راه، مسافت اصفهان تا مشهد را ۲۸ روزه طی کرد و سفر طولانی، پرهزینه و همراه با اخذ مالیات اضافی شاه سلطان حسین تفاوت تکان‌دهنده‌ای را آشکار می‌سازد؛ تفاوتی که زمینه‌ساز ضعف و اضمحلال و سقوط و انقراض سلسله صفویه شد.

نتیجه

توجه به سفرهای زیارتی در بین شاهان صفوی، به‌ویژه شهر مشهد و سپس عتبات عالیات، از زمان شاه عباس اول و جانشینان وی تا سال ۱۰۴۹ق، که عتبات عالیات در تصرف صفویان بود، به اوج خود رسید و نتایج متعددی به دنبال داشت:

۱. تا پیش از حاکمیت دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع دوازده امامی در ایران، به دلیل شرایط پر تنش سیاسی و حکومت ملوک الطوائفی، جنگ‌های خونین داخلی، ناامنی موجود در جاده‌ها و مسیرهای ارتباطی اماکن مذهبی، مثل مشهد مقدس در خراسان و شرق ایران به واسطه حملات ازبک‌ها و عتبات عالیات در جنوب بین‌النهرین، که محل جنگ و درگیری دسته‌ها و گروه‌های رقیب بود، زیارت به عنوان یک رسم و سنت مهم شیعی بسیار کم‌رنگ و بلکه عملاً متوقف شده بود. با تأسیس دولت صفوی و برقراری ثبات و دولتی یک‌پارچه در ایران و سپس تصرف عراق و توجه شاهان صفوی، زیارت اماکن و مقابر مقدس مذهبی دوباره احیا شد و شیعیان دوازده امامی در عهد صفوی در قالب کاروان‌های پر تعداد، زیارت مشاهد متبرک را از سر گرفتند.

۲. توجه به پراکندگی اماکن مهم زیارتی در ایران و جنوب عراق و توجه دولت صفوی به زیارت، باعث شد تا امنیت جاده‌ها، ساخت راه‌های ارتباطی و کاروان‌سراهای جدید، عمران و آبادانی شهرهای زیارتی و توسعه اماکن متبرک رونق گرفته، شرایط کلی سفر برای عموم مردم فراهم شود.

۳. دولت صفوی برای ایجاد هویتی مستقل و حکومت بر قلمرو سرزمینی واحد و همچنین ایجاد وحدت آرمانی، اعتقادی و سیاسی در بین مردم ایران و تقویت حاکمیت و بنیان‌های مشروعیت، اقدام به رسمیت دادن مذهب تشیع دوازده امامی در ایران کرد. رسم کهن شیعی زیارت در کنار سایر مراسم مذهبی شیعیان، مثل

عاشورا و عید غدیر به عنوان منبع احساسی قوی و گسترده و بسیار تأثیرگذار، وحدت آرمانی، اعتقادی و سیاسی و ملی را با محوریت شاهان صفوی تقویت می‌کرد. بنابراین، مورد توجه شاهان صفوی قرار گرفت.

۴. حضور در اماکن زیارتی، به‌ویژه حرم ائمه معصومین و امامزادگان، در بین عامه مردم و به‌ویژه در بین شیعیان، همیشه باعث همدردی، همراهی، همدلی و برانگیخته شدن احساسات و عواطف مثبت، عشق و ابراز محبت و حمایت نسبت به خاندان رسالت و ائمه اطهار می‌شده است. شاهان صفوی، که از همان ابتدای اقدامات و تأسیس حکومت، خود را از منسوبان به سلسله امامان شیعه قلمداد می‌کردند و بر این امر اصرار و تأکید داشتند، رفتن به زیارت امامان شیعه و فرزندان آنان را زیارت خویشاوند مقدس خود تلقی می‌کردند و با این کار، باور مردم را نسبت به نسب سیادت خود تقویت و تثبیت می‌نمودند.

توجه به مسئله وقف اموال و دارایی‌های منقول و غیر منقول و کتب ارزشمند و پرداخت صدقات، نذورات و هدایا به اماکن زیارتی و علما و سادات و سایر مجاوران اماکن متبرک توسط شاهان صفوی برای کسب وجهه بیشتر در بین مردم - که البته تقلید مردم از آنان را در این زمینه به دنبال داشت - دلیلی دیگر بر توجه به زیارت و رونق و آبادی شهرها و اماکن زیارتی بود.

منابع

۱. افوشته‌ای نطنزی، محمد بن هدایت‌الله، *نقاوة الآثار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲. امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، *تاریخ فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ق)*، تصحیح، تعلیق، توضیح و اضافات از دکتر محمد رضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۳. ترکمان، اسکندر بیک، *عالم آرای عباسی*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۸.
۴. جنابذی، میرزا بیگ، *روضه الصفویه*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۷۸.
۵. حسینی قمی، احمد بن شرف‌الدین، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۶. خواجهگی اصفهانی، محمد معصوم، *خلاصة السیر؛ تاریخ روزگار شاه صفی*، به سعی ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۸.
۷. خواندمیر، امیر محمود، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی [ذیل تاریخ حبیب السیر]*، تصحیح و تحشیه محمد علی جراحی، تهران، گستره، ۱۳۷۰.
۸. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، *تاریخ حبیب السیر*، تصحیح و تعلیقات محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام، ۱۳۶۲.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ متوسط*، زیر نظر سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. شاملو، ولی قلی بن داود قلی، *قصص الخاقانی*، تصحیح و پاورقی سیدحسن سادات نصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۱. *عالم آرای شاه اسماعیل*، مقدمه، تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۲. غفاری قزوینی، احمد، *تاریخ جهان آرا*، تهران، حافظ، ۱۳۴۳.

۱۳. قزوینی اصفهانی، محمدیوسف، **ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم**، تصحیح و تعلیقات توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۴. قزوینی، بوداق منشی، **جواهر الاخبار**، بخش «ایران»، از قراقویینلو تا سال ۹۸۴ق، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
۱۵. کروسینسکی، تادوزیودا، **سفرنامه کروسینسکی، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی**، ترجمه عبدالرزاق مفتون دنلی، مقدمه و تصحیح مریم میراحمدی، تهران، توس، ۱۳۶۳.
۱۶. لکه‌هارت، لارنس، **انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران**، ترجمه مصطفی قلی‌عماد، تهران، مروارید، ۱۳۶۳.
۱۷. مستوفی، محمدمحسن، **زبدة التواریخ**، به کوشش بهمن گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۷۹.
۱۸. منجم یزدی، ملاجلال، **تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال**، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶.
۱۹. نراقی، احمد، **معراج السعاده**، قم، هجرت، ۱۳۷۷.
۲۰. وحید قزوینی، محمدطاهر، **عباسنامه؛ شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی**، ۱۰۷۳-۱۰۵۲، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک، کتاب‌فروشی داودی (فردوسی سابق)، ۱۳۲۹.